

تصویر آفرینی ردیف در غزل فارسی



چکیده

هنر تصویر آفرینی، بلاغی و موسیقایی «ردیف» در شعر از دیرباز، مدنظر شاعران و شعرشناسان قرار داشته است. نگارنده در این نوشتار سعی دارد کارکردهای زیبایی شناختی ردیف‌های ساده و مرکب را در «غزل» به کمک علم معانی و بیان مورد بررسی قرار دهد.

کلمات و واژه‌ها

ردیف، موسیقی، تصویر (ایماز)، غزل، تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و...

اسماعیل نسیانجی، نواره
مدیر دبیرستان‌های نواره

در میان انواع شعر، کاربرد ردیف در غزل بیش‌تر است و درحقیقت جزئی از شخصیت این نوع شعر است و غزلی که ردیف نداشته باشد کم‌تر داریم و اگر گاهی شاعران بزرگ خواسته‌اند غزل بی‌ردیف بسرایند، ردیف را از رهگذری دیگر در شعر ایجاد کرده‌اند (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۸).

چنان‌که سعدی شیرازی می‌گوید:
بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
(سعدی، ۱۳۷۷: ۴۸۵)

در بیت فوق قافیه را به صورت «اعنات» یا «لزوم مالایلم» آورده است. ردیف در زنجیره‌ی گفتار شاعر، علاوه بر این که مکمل معناست، یک صفت و ترفند زینتی و زیبایی‌ساز در شعر محسوب می‌شود. یعنی یک رشته تشبیهات، استعاره‌ها و کنایه‌های خاص در زبان او ایجاد می‌شود و به توسعه‌ی خیال و ترکیبات تصویری شعر کمک می‌کند، اما از سوی دیگر حسی بودن و ملموس بودن تصاویر را از شعر می‌گیرد، چنان‌که می‌دانیم، موضوع «علم بیان» بررسی معانی ثانوی یا مجازی واژه‌ها، کلمات یا عبارات است. به همین جهت، آرایه‌های ادبی، که کم و بیش در حوزه‌ی خیال‌های شاعرانه قرار دارند، با کاربرد ردیف در شعر گسترش می‌یابند. برای نمونه، اگر در غزل زیبا و دل‌آرای زیر به ردیف (فراق) توجه کنیم، اوج تصویرسازی و بلاغت آفرینی حافظ را درمی‌یابیم و می‌بینیم که چه تصاویر بی‌نظیری در دل این غزل جای دارد:

زبانِ خامه ندارد سرِ بیانِ فراق
وگرنه شرح دهم با تو داستانِ فراق
چگونه باز کنم بال در هوایِ وصال
که ریخت مرغ دلم پر در آشیانِ فراق
کنون چه چاره که در بحر غم به گردابی
فتاد زورق صبرم ز بادبانِ فراق
بسی نماند که کشتی عمر غرقه شود
ز موج شوق تو در بحر بی‌کرانِ فراق
اگر به دست من افتد فراق را بکشم
که روز هجر سیه باد و خان و مانِ فراق

فلک چو دید سرم را اسیر چنبر عشق
بیست گردن صبرم به ریسمان فراق
به پای شوق در این ره به سر شدی حافظ
به دست هجر ندادی کسی عنان فراق
(حافظ شیرازی، ۱۳۷۰، غزل ۲۹۸)

در این غزل با تعداد زیادی از تصاویر متنوع، زیبا و بی نظیر روبه‌رو هستیم؛ هم‌چون داستان فراق، آشیان فراق، بحر بی‌کران فراق، خوان فراق و ریسمان فراق، که از نوع «تشبیه بلیغ» اند

ردیف در زنجیره‌ی گفتار شاعر، علاوه بر این
که مکمل معناست، یک صفت و ترفند زینتی و
زیبایی‌ساز در شعر محسوب می‌شود

و ترکیبات آستان فراق، عنان فراق و خان و مان فراق، که استعاره‌ی مکنیه‌اند. هم‌چنین، آرایه‌ی مراعات نظیر و تناسب‌های دل‌نشینی هم‌چون «خامه، زبان، بیان و داستان»، «بال، هوا، مرغ، پر، آشیان» و «بحر، گرداب، زورق، بادبان» و دیگر انواع صنایع بدیعی، که به یمن وجود ردیف «فراق» پدید آمده‌اند. علم معانی از معنا و کاربرد مجازی جملات بحث می‌کند. در دنیای ادبیات، قصد اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری «اخبار» است؛ یعنی منتقل کردن پیامی به مخاطب. اما از این نوع جملات برای اهداف دیگری هم استفاده می‌شود که در علم معانی مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ مثلاً وقتی خواجه حافظ شیرازی می‌گوید:

منت سدره و طوبا ز پی سایه مکش
که چو خوش بنگری ای سرو روان این همه نیست
(حافظ، ۱۳۷۰، غزل ۷۴)

جمله‌ی «این همه نیست» که ردیف این غزل است، ظاهراً یک جمله‌ی خبری است که شاعر آن را در معنای «بی‌ارزش است» به کار برده؛ یعنی این همه که تو می‌دانی، نیست و اسباب دنیا و نعمت‌های ناپایدارش شایسته‌ی غم‌خوردن نیست (ثروتیان، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۸۲۵).

جملات خبری نیز، گاهی مفهوم غیرحقیقی یا ثانوی دارند؛ مفاهیمی هم‌چون امر، نهی، تأثر و اندوه. جمله‌ی خبری «برفت» که ردیف ابیات زیر را تشکیل می‌دهد، معنا و مفهوم تأسف و اندوه را دارد و بدون‌شک این فعل (برفت) در هر جایی از این ابیات جز ردیف به‌کار می‌رفت، معنای تأسف و اندوه را ادا نمی‌کرد:

شربت‌ی از لب لعلش نجشیدیم و برفت
روی مه‌پیکر او سیر ندیدیم و برفت...

(حافظ، ۱۳۷۰، غزل ۸۵)

یکی از علل تکرار مسند در جملات خبری تأکید است که

گوینده برای جلب توجه مخاطب و ذکر اهمیت مضمون یا معنا آن را بار دیگر بیان می‌کند. در غزل زیر از خاقانی شروانی، ردیف تکرار مسند است که ضمن ایجاد آهنگ و موسیقی دل‌نشین و روح‌نواز، بر مسند تأکید دارد و موضوع را به مخاطب خبر می‌دهد و به خوبی ایجاز را نیز در مضمون ابیات به‌کار برده است:

تورا در دوستی رایبی نمی‌بینم نمی‌بینم
مرا اندر دلت جایی نمی‌بینم نمی‌بینم
(خاقانی شروانی، ۱۳۷۲، غزل ۸)

یکی از ترفندهای زیبا در سخن ادبی، حذف اجزا و ارکان کلام است، به‌طوری که می‌توان آن را از ایجاد قصر بهتر دانست؛ زیرا شاعر یا نویسنده با ذکر قراین لفظی و معنایی و هم‌چنین با به‌کارگیری مهارت خاصی، اجزا و عناصری را از جمله حذف می‌کند و «ایجاز» می‌آفریند. ردیف غزل زیر به بهترین شیوه در آفرینش این ایجاز هنری دخیل است.

دیدار میسر شد و بوس و کنار هم
از بخت شکر دارم و از روزگار هم...

(حافظ، ۱۳۷۰، غزل ۳۶۲)

منظور شاعر این است که دیدار دست داد و هم‌چنین بوس و کنار هم ممکن گردید و من از بخت و نیز از روزگار سپاس‌گزارم (ثروتیان، ۱۳۸۰، ج: ۴، ۳۱۳۴).

در ادبیات گاهی شاعر یا نویسنده با ذکر افعال منفی و سلبی، نتیجه‌ی مثبت اراده می‌کند. تکرار عبارت «نیست که نیست» در غزل زیر در نقش «ردیف»، به گونه‌ای حیرت‌انگیز نظر مخاطب را جلب می‌کند و در هاله‌ای از ابهام فرومی‌برد. سپس، او را به نتیجه‌ی مثبت رهنمون می‌سازد:

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست
منت خاک درت بر بصری نیست که نیست
(حافظ، ۱۳۷۰، غزل ۷۳)

یعنی هر نظری از پرتو روی تو روشن است و...

توضیح این‌که در زبان فارسی، عبارت «نیست که نیست» به دو شکل ابهامی معنا می‌شود: یکی به معنای «اصلاً نیست» و دیگری به معنای «هست و قطعاً هست» که منظور شاعر از این ردیف معنای دوم است (ثروتیان، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۸۱۰).

اصولاً در علم معانی جملات پرسشی جنبه‌ی هنری و غیر ایجابی دارند؛ یعنی جواب نمی‌خواهند. این‌گونه سؤالات در ادبیات بسیار رایج است و به آن‌ها «سؤال بلاغی» می‌گویند. سؤال بلاغی انتقال پیام را غیرمستقیم منتقل می‌کند که مؤثرتر است. سؤالات بلاغی در مفهوم غیرسؤالی نظیر امر، نهی، توبیخ و ملامت، استفهام انکاری، استفهام تقریری، آرزو، طنز و تمسخر، تعظیم، بیان تعجب، اظهار یأس، بیان تردید، بیان منافات و استبعاد، استیناس، تهدید و... به‌کار می‌روند.

ردیف غزل زیر را یک جمله‌ی سؤالی تشکیل می‌دهد؛ اما

منتقدان و صاحب‌نظران ادب فارسی بیش‌تر بر تأثیر موسیقایی ردیف بر شعر توجه کرده‌اند و کارکرد بلاغی آن را کم‌تر مدنظر قرار داده‌اند

سؤالی که مفهوم انکار و نفی دارد:

مردم ز فیض عالم بالا چه دیده‌اند؟

غیر از حباب و موج ز دریا چه دیده‌اند؟ (صائب تبریزی، ۱۳۷۰، غزل ۹۸)

یعنی مردم از فیض عالم بالا چیزی ندیده‌اند...

گاهی سؤال مفهوم تصویری دارد؛ یعنی مخاطب به صحت

قول گوینده اقرار می‌کند. ردیف غزل زیر که ساختار پرسشی

دارد در مفهوم فوق به‌کار رفته است:

چون ز نسیم می‌شود زلف بنفشه پرشکن

وه که دلم چه یاد از آن عهدشکن نمی‌کند (حافظ، ۱۳۷۰، غزل ۱۹۲)

یعنی چون زلف بنفشه از نسیم پرشکن می‌شود، وه که دل

من چه آن عهدشکن را بسیار یاد می‌کند (ثروتیان، ۱۳۸۰، ج ۲:

۱۹۴۶). گاهی سؤال بلاغی مفهوم اظهار مخالفت و بیان عجز

دارد. ردیف غزل زیر در بیان اظهار مخالفت و ناتوانی به‌کار

رفته است:

ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد

چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا؟ (حافظ، ۱۳۷۰، غزل ۲)

هم‌چنین گاهی سؤال مفهوم استیناس دارد؛ یعنی گوینده در قالب

پرسش می‌خواهد با مخاطب مأنوس شود و در صحبت با او را باز

کند. غزل زیر که ساختار پرسشی دارد، در مفهوم فوق به‌کار

رفته است:

گر من از باغ تو یک میوه بچینم چه شود؟

پیش پایی به چراغ تو ببینم چه شود؟ (همان، غزل ۲۲۸)

جملات امر و نهی نیز، گاهی در معانی مجازی و ثانوی به‌کار

می‌روند و مفاهیمی هم‌چون دعا، تشویق، تعجب، استرحام و...

را در حوزه‌ی شعر به زیباترین صورت بیان می‌کنند، که در این

مقال، مجال شرح و توضیح آن‌ها نیست.

نتیجه‌گیری

«ردیف» بهترین نعمت در خوان ادب فارسی است، که از

جهات مختلف به انواع شعر، مخصوصاً غزل، زیبایی و اهمیت

خاص می‌بخشد. منتقدان و صاحب‌نظران ادب فارسی بیش‌تر

بر تأثیر موسیقایی ردیف بر شعر توجه کرده‌اند و کارکرد

بلاغی آن را کم‌تر مدنظر قرار داده‌اند که این موضوع خود

می‌تواند جهت تحقیق در عرصه‌ی علم معانی و بیان، بستر

مناسبی فراهم سازد.



روش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. انوشه، حسن، دانش‌نامه‌ی ادب فارسی، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی دانش‌نامه، ۱۳۷۵ • ۲. ثروتیان، بهروز، شرح غزلیات حافظ، تهران، نشر پویندگان دانشگاه، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲ و ۴ • ۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، دیوان، به کوشش خطیب رهبر، خلیل، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۷۰ •

۴. خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، دیوان برگزیده به کوشش ماهیار، عباس، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۲ • ۵. سعدی شیرازی، مشرف‌الدین مصلح‌بن عبدالله، کلیات (برگزیده)، مقدمه و شرح انوری، حسن، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۹ • ۶. شفیع کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۸ • ۷. صائب تبریزی، میرزا محمدعلی، دیوان (برگزیده)، به کوشش شعار، جعفر و مؤتمن، زین‌العابدین، تهران، نشر بنیاد، ۱۳۷۰ • ۸. میرصادقی، میمنت، واژه‌نامه‌ی هنر شاعری، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۷۳ •